

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۸/۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۵

مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران

محمد ستوده^۱

حمید ابیا^{*۲}

۱. استادیار دانشکده علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران.

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران.

چکیده

حقوق بشر به عنوان یکی از مهمترین شاخصه‌های تمدن و پیشرفت جامعه بشری، امروزه از اهمیت بسیاری در روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و عمومی برخوردار است. ابهام در تعریف آن و استفاده ابزاری از آن، یکی از مهمترین کاستی‌ها و چالش‌های کنونی ارتقای حقوق بشر در جهان به حساب می‌آید. در این میان کشور های غربی و به ویژه آمریکا به بهانه حمایت از دموکراسی و حقوق بشر، در امور داخلی سایر کشورها مداخله کرده و با استفاده از دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای خود، بسیاری را مورد هجمه تبلیغات قرار داده و به بهانه حقوق بشر اقداماتی را نیز علیه بسیاری از کشورها انجام می‌دهد. آمریکا از ساز و کارهای مختلف نهادهای بین‌المللی برای تحت فشار قرار دادن ایران استفاده می‌کند. از این رو در پژوهش حاضر تلاش شده است که با تدقیق در نوع روابط سیاسی جمهوری اسلامی و ایالات متحده در بستر حقوق بشر، محتوای مهمترین موضوعات مطرح شده علیه ایران در این عرصه که در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته

۶۷
فصلنامه مطالعات حقوقی
دوگانه آبیاری

مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران

محمد ستوده و همکار

Email: abia1350@yahoo.com

*۲ - نویسنده مسئول:

وجود داشته، مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. با بررسی میناشناسانه امور مذکور، ضمن ارائه ساختار مناسبی جهت پاسخ‌دهی به ادعاهای واهی مطرح شده، نحوه اقدامات آنها در نقض حقوق بشر نیز مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، چالش، ایالات متحده امریکا، نظام حقوق بشر سازمان ملل، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی.



با پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما به رهبری شخصیت استکبار ستیز و مستقلی چون امام خمینی (ره)، سیاست‌گذاری کشور ما به سمت بازگشت به هویت اسلامی و بومی خویش، در عین برقراری تعاملی برابر و عادلانه با سایر کشورها تغییر جهت داد. چنین رویکردی که بر استقلال برخاسته از فرهنگ خودی تأکید نموده و حاضر به تسلیم در برابر امیال کشورهای مستکبر نبود، سبب بروز چالش‌ها و تنش‌های جدی در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ابرقدرت (قدرت‌های هژمونیکی) استکباری، در صدر آنها ایالات متحده آمریکا گشت؛ لذا ایالات متحده از تمامی گزینه‌های ممکن نظیر حمایت از نیروهای تروریستی و کودتا، تحمیل جنگ نظامی به واسطه عراق، تحریم اقتصادی و غیره، برای تحمیل مواضع خویش به کشور جمهوری اسلامی استفاده نمود که همگی نقض قواعد حقوق بین‌الملل و مبین نقض قاعده منع توسل به زور بود. پس از مدتی به نحو ملموسی به سمت ایراد اتهام نقض موازین حقوق بشری به جمهوری اسلامی سوق پیدا نمود و آن را به مثابه یک اهرم فشار، دائماً در مجامع و نهادهای بین‌المللی طرح و از این طریق سعی کرد که جمهوری اسلامی ایران را در یک موقعیت ضعف قرار داده که چنین روشی به زعم سیاست‌گذاران آمریکایی می‌توانست اجماع جامعه جهانی را نیز به همراه داشته باشد و از این رهگذر بتواند نظام مردم‌سالار شکل‌گرفته در ایران را به اضمحلال کشانده و جایگاه بین‌المللی آن را تضعیف نماید. اهمیت این مسئله از آنجا نمایان‌تر می‌گردد که موضوعات حقوق بشری که عمدتاً از قرن نوزدهم به بعد تدریجاً به یک دغدغه بین‌المللی تبدیل شد و نهادهای متعددی به حمایت از آن پرداختند و واکنش کشورهای مختلف را در این زمینه مورد ارزیابی قرار دادند؛ به گونه‌ای که نقض این حقوق سبب بدنامی کشورها در عرصه جهانی می‌شد. در این راستا موضع توجه چنین اتهاماتی به جمهوری اسلامی توسط ایالات متحده که از

قدرت رسانه‌ای نیز برخوردار می‌باشد، موجبات فشار سیاسی و افکار عمومی را بر کشور فراهم می‌کند.

بنابراین همان‌طور که در عمل نیز مشاهده می‌گردد، جبهه کشورهای که از نظر سیاسی دنباله‌رو ایالات متحده هستند، با ایجاد موج شدیدی از تبلیغات، بالأخص با استفاده از ابزار رسانه، در تحریف واقعیت‌ها کوشیده و توانسته‌اند که قطعنامه‌های متعددی را با ادعای نقض حقوق بشر در سازمان ملل، کمیسیون و شورای حقوق بشر و سایر نهادهای بین‌المللی علیه کشور ما به تصویب برسانند. متأسفانه تا سالیان اخیر، کشور ما غالباً موضع انفعالی را در مقابل چنین حمله‌ای از خود نشان داده و به عنوان یک عامل فعال که ضمن نقد مبانی و محتوای قطعنامه‌های صادره علیه خویش، عملکرد ایالات متحده و سایر کشورهای همراه را در نقض حقوق بشر به چالش بکشاند، ایفای نقش نموده است. از این رو، در پژوهش حاضر تلاش شده است که با تدقیق در نوع روابط سیاسی جمهوری اسلامی و ایالات متحده در بستر حقوق بشر، مهمترین موضوعات مطرح شده علیه ایران در این عرصه که در قطعنامه‌های بین‌المللی انعکاس یافته و عمدتاً به مسائل آزادی بیان، آزادی‌های دینی و حقوق اقلیت‌ها و احکام قضایی ارتباط دارند، مورد واکاوی قرار داده و با بررسی مبناشناسانه امور مذکور، سعی شده ضمن ارائه ساختار مناسبی جهت پاسخ‌دهی به ادعاهای واهی مطرح شده، نحوه اقدامات آنها نیز در نقض حقوق بشر مورد ارزیابی گیرد. از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر حول این محور بوده که مهمترین چالش‌های حقوق بشری در سیاست خارجی ایالت متحده و ایران در سه ده گذشته چیست؟ در پاسخ بدین مسئله به نظر می‌رسد که مهمترین چالش‌ها ناظر بر سه موضوع آزادی بیان، آزادی عقاید و اقلیت‌ها و احکام قضایی صادره در محاکم کشور ماست.

۱ - خاستگاه و بسترهای شکل‌گیری حقوق بشر در غرب

تاریخی که در غرب منتهی به تدوین حقوق بشر شده، تاریخ بسیار سیاهی است و همین تاریخ ضرورت تدوین حقوق بشر ایجاد کرده است. غرب در خصوص زنان تحت تعالیم کلیسا، انسان بودن زن را به شدت مورد تردید قرار داده و اصولاً از زن به عنوان یک عنصر شیطانی یاد می‌کند که فلسفه خلقتش صرفاً خدمت به مرد بود و از کمترین حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، از جمله حق رأی دادن محروم بود، به گونه‌ای که ستم مضاعف تاریخی در حق زنان در غرب نهادینه شده بود (عمید زنجانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳). بر این اساس، غرب در مورد حقوق زنان مشکل جدی داشت. چنانچه در مورد آزادی انسان مشکل داشت. مسئله خرید و فروش انسانها و به بیگاری کشاندن انسانها تا قرن ۱۹ مسئله رایج و مشکل دست‌وپاگیر جوامع غربی بود. غرب در مورد کودکان مشکل داشت؛ در مسائل تبعیض نژادی مشکل داشت. یکی از مشکلات عمده غرب درباره حقوق بشر، مسایل ناشی از جنگ جهانی اول و دوم و جنایاتی بود که در شرایط جنگ انجام می‌گرفت. در هر حال تاریخ غرب را اگر ما مطالعه کنیم، نهضت حقوق بشر را در بستر تاریخ غرب یک ضرورت می‌بینیم. تقریباً همه آن چیزی که در بیانیه اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، مورد به مورد در غرب مشکل داشت و خواه ناخواه غرب به خاطر اینکه بتواند از حقوق ازدست‌رفته انسان دفاع کند و جلوی ظلم تاریخی مغرب زمین بر حقوق اولیه انسان را بگیرد و همچنین آزادی، حق حیات و سایر حقوق بشر را به بشر برگرداند، می‌بایست نهضت حقوق بشر را در غرب شروع می‌کرد. سندهای رسمی که در تاریخ غرب در زمینه حقوق بشر هست، از جمله در بعضی از حقوق انگلستان در قرن گذشته، نشان می‌دهد که یک حرکت تدریجی در غرب بوده است که از قرون وسطی شروع شده و قربانیهای زیادی داشته است.

ابزاری شدن حقوق بشر در سیاست خارجی امریکا

اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر فرانسه (۱۷۸۹)، خود، مقام رسمی حقوق بشر را در قوانین و جهت‌گیری‌های این کشورها آشکار می‌سازد. درعین حال ذکر دو نکته خالی از فایده نیست. اول آنکه بیشترین نقض حقوق بشر در جهان از طرف کشورهای قدرتمند غربی صورت گرفته است که اسناد آن در جنگهای استقلال سرزمین‌های گوناگون از الجزایر، ویتنام، عراق و افغانستان موجود است. دوم آنکه تنها پشتوانه حقوق بشر سلاح اخلاق است و چنان‌که یک نویسنده انگلیسی می‌گوید: «حقوق بشر، حقوقی اخلاقی است و قدرت اجرایی خود را نیز از اخلاقیات جامعه کسب می‌کند.» و این اخلاقیات رابطه نزدیکی با افکار عمومی دارد که آن هم خود در قرن بیستم به فرایندی منجسم تبدیل شد. این فرایند به گونه‌ای بود که بتوان از آن به افکار عمومی جهان تعبیر کرد. طبیعی است که استفاده از حقوق بشر هم، به عنوان یک ابزار در دست سیاست خارجی به همین اندازه به تأخیر افتاد. در این خصوص، ایالات متحده امریکا به دو دلیل پیشگام است؛ یکی آنچه استانیلی هوفمن آن را سبک امریکایی می‌خواند و می‌گوید: آمریکایی‌ها اغلب خود را بر روی جزیره‌ای احساس می‌کنند که در اطراف آن همه در حال غرق شدن هستند و وظیفه اخلاقی آنان نجات این غریق‌هاست؛ به همین دلیل همه جا حالتی معلم‌گونه و منجی به خود می‌گیرند و بر حسب وظیفه اخلاقی به خود اجازه می‌دهند در همه امور دخالت کنند و آنها را به راه راست هدایت کنند، دوم به دلیل اینکه امریکا به صورت قدرتی درآمد که امکان اقدام برایش فراهم بود. آنچه باقی می‌ماند توجیه این اقدام بود که براساس اعلامیه ۱۴ ماده‌ای ویلسون، تلفیقی از این ظاهر نجاتبخش و در باطن سلطه‌گر بود که به در پیش گرفتن سیاست انزواگرایی به وسیله خلف او فرصت تحقق پیدا نکرد. ولی با همین حربه موفق شد دولت‌های خودکامه و

امپراتورهای قدیمی را وادار به ترک صحنه کند تا رژیم های جمهوری و دموکراتیک جای آنها را بگیرد (نقیب زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۸).

پس از جنگ جهانی دوم، امریکا مدتی به مقابله مستقیم با شوروی پرداخت، ولی با سیاست نگاه نو (new took) از سال ۱۹۵۲ به بعد، درصدد برآمد از ابزارهای دیپلماتیک و حقوقی برای کنترل رقیب بهره گیرد و از درگیری مستقیم بپرهیزد. در جریان این فرایند هر ابزاری از جمله حقوق بشر می توانست به کار آید، اما مستلزم آن بود که ابتداء رقیب را به پذیرش قواعد بازی وادارد و سپس ابزاری طلایی و افتخارآمیز به گردنش اندازد. این مهم در کنفرانس هلسینکی فراهم آمد. اگرچه اعلامیه هلسینکی ضمانت اجرایی نداشت، اما جریانهای مخالفت در دوران بلوک شرق را تقویت کرد. شوروی در ازای تثبیت مرضها در اروپای شرقی به این معامله تن داد، ولی از پیامدهای آن، چنان که باید آگاه نبود. روسها موقعی متوجه شدند که بر شمار پناهندگان افزوده شد و عدهای به استناد حق آزادی در رفت و آمد که در اعلامیه هلسینکی مورد تأیید قرار گرفته بود، خواستار مهاجرت به غرب شدند. همچنین وقتی منشور ۷۷ در چکسلواکی موفق شد به استناد حقوق بشر، اسناد و مدارک خود را به غرب ارسال کند، رهبران شوروی احساس کردند در این معامله تقصیر کرده اند. (نقیب زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۸)

قضیه هنگامی حاد شد که رئیس جمهور امریکا، کارتر، از مخالفان سرشناسی چون بوکفسکی و ساخاروف پشتیبانی کرد. جیمی کارتر که در پایان ۱۳۷۶ به ریاست جمهوری امریکا انتخاب شد، به گونه رسمی حقوق بشر را در دستور سیاست خارجی خود قرار داد و در ۶ دسامبر ۱۹۷۸ به مناسبت سی امین سالگرد صدور اعلامیه حقوق بشر اعلام داشت: « حتی این حقوق مایه هویت ملی ما را تشکیل می دهد». این سیاست از یک سو می یابد مرهمی بر زخم های جنگ ویتنام باشد و اعلام بازگشتی به اصول آرمانی و انسانی امریکای لیبرال تلقی شود و از سوی دیگر، ابزاری برای ایجاد فشار بر رقیب جهانی، شوروی، باشد. بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی نیز از ابزار حقوق بشر، به عنوان یک حربه تبلیغاتی بر علیه جمهوری اسلامی ایران بهره جست. در واقع کاری که امروز در عرصه حقوق بشر انجام می‌گیرد، استفاده ابزاری از این منشور بین‌المللی است، به این گونه که با پوشش شعارهای حقوق بشری و قانون‌مداری در حاکمیت داخلی کشورهای مستقل مداخله کرده و استعمار را در لباسی جدید سامان دهد.

طبیعی است که این قطعنامه‌های ضد ایرانی با اغراض سیاسی تصویب شده و بنا به تأیید کارشناسان منصف، ابعاد حقوقی آن بسیار ضعیف است. در واقع آمریکا به راحتی از کنار بدترین نوع نقض حقوق بشر در کشورهای دوست خود عبور می‌کند، ولی درباره ایران نوع دیگری عمل می‌نماید. حمایت آمریکا از نقض حقوق بشر توسط اسرائیل، عربستان، بحرین، یمن و... نمونه بارز این مدعاست که اوج آن در نادیده گرفتن گزارش گلدستون دیده شد.

شیوه‌هایی که غرب از حقوق بشر به عنوان یک ابزار سیاست خارجی در روابط خود با جوامع، بخصوص جمهوری اسلامی ایران، بهره گرفته و می‌گیرد عبارتند از:

یک- انحراف در جنبش‌ها و راه‌اندازی شبکه‌های حقوق بشری داخلی

مقامات رسمی، رسانه‌های خبری و تشکلهای مختلف در غرب، از طرق مختلف جنبش‌های حقوق بشری در دیگر جوامع را با استفاده از روشهای مختلف تحت تأثیر قرار داده و حتی از هدف اصلی منحرف می‌سازند. یکی از این روشها معرفی برخی افراد، به عنوان برنده یا نامزد فلان جایزه بین‌المللی یا نشان بین‌المللی می‌باشد. (در اینجا منظور آن نیست که تمام برندگان یا نامزدهای جایزه‌های بین‌المللی یا حقوق بشر، بازیچه یا مهره غرب هستند.)

از دیگر روشها، تمجید، چهره‌سازی و قهرمان‌پروری از افراد و جریان‌ها می‌باشد. همچنین افراد یا تشکل‌هایی که به عنوان مدافع حقوق بشر فعال هستند، در صورتی که با سیاست‌ها و انگاره‌های غربی هماهنگ نبوده یا منتقد و مخالف غرب باشند، یا مورد سوء استفاده سیاسی قرار می‌گیرند یا با آنها برخوردی تبعیض‌آمیز صورت می‌گیرد.

ایالات متحده در اواخر سال دهه ۱۳۷۰ش و به ویژه از ابتدای دهه ۱۳۸۰ش، در راستای پیشبرد استراتژی براندازی نرم در صدد ایجاد شبکه‌های حقوق بشری و جذب، حمایت و تقویت نیروهایی در داخل کشور برآمد که در این زمینه فعالیت می‌کردند. یکی از این شبکه‌ها، کانون مدافعان حقوق بشر می‌باشد که در سال ۱۳۸۱ راه‌اندازی شد. ریاست کانون را «شیرین عبادی» برعهده دارد و «محمد سیف زاده»، «محمد شریف»، «محمد علی دادخواه» و «عبدالفتاح سلطانی» از جمله اعضای مؤسس آن هستند. دومین گروه به منظور رصد دایم رویدادهای ایران و متهم نمودن جمهوری اسلامی به نقض حقوق بشر با حمایت آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در ۱۰ اسفند ۱۳۸۴ توسط چند تن از دانشجویان افراطی طیف‌های غیرقانونی «تحکیم وحدت» تأسیس شده است؛ سومین نهادی که با حمایت آمریکا و متحدین آن راه‌اندازی شد، مجموعه‌ی فعالان حقوق بشر در ایران می‌باشد. این گروه از اسفند ماه سال ۱۳۸۴ با موضوع دفاع از مفاد مندرج در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر در ایران شکل گرفت. چهارمین کانون حقوق بشری، کانون زنان ایرانی، به عنوان یک نشریه‌ی اینترنتی می‌باشد که به دفاع از حقوق بشر به طور کلی و به دفاع از حقوق زنان به طور خاص می‌پردازد.

دو- تشکیل نهادهای حقوق بشری بین‌المللی: شورای حقوق بشر

کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مهمترین مراجع بین‌المللی در خصوص تشخیص نقص حقوق بشر در کشورها هستند... آنچه در

دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم رخ داده حاکی از آن است که مناسبات و ساز و کارهای تهیه گزارشات و رأی‌گیری در خصوص آنها به شدت تحت تأثیر قواعد سیاست بین‌المللی و نیز جهت‌گیری‌های قدرتهای بزرگ، به‌ویژه قدرتهای غربی می‌باشد.

از سوی دیگر معمولاً نمایندگانی برای نظارت یا بررسی وضعیت حقوق بشر انتخاب می‌شوند که الزاماً پایبند مشی غرب و تفسیر آن از اعلامیه حقوق بشر باشند.

همچنین خط‌دهی و فضاسازی وسیعی قبل از اعزام نمایندگان ناظر به کشورها و در ضمن تهیه گزارشات حقوق بشری و هنگام رأی‌گیری‌ها در نهادهای بین‌المللی و نیز بعد از اعلام نتایج، توسط رسانه‌ها و مقامات رسمی کشورهای غربی صورت می‌گیرد؛ به عنوان مثال هنگام رأی‌گیری در خصوص یک گزارش حقوق بشری لابی دول غربی آغاز می‌شود و با تطمیع، فشار یا تهدید تلاش می‌شود، رأی دیگر کشورها تحت نفوذ قرار گیرد.

از طرفی بسیاری از سازمانهای بین‌المللی غیردولتی مدافع حقوق بشر معمولاً توسط افرادی هدایت و رهبری میشوند که دارای وابستگی فکری شدید به غرب هستند و در بسیاری مواقع اقدامات صادقانه آنها بازیچه سیاستهای غرب قرار می‌گیرد.

آمریکا و غرب از این نهادها به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده برای مبارزه با ایران از طریق دروغ‌پردازی در زمینه حقوق بشر استفاده کرده‌اند. یکی از اینها دیده‌بان حقوق بشر است. در این زمینه، «شیرین عبادی» به دنبال دریافت کمک مالی از سازمان دیده‌بان حقوق بشر به سمت نماینده‌ی داخلی این سازمان در امور ایران منصوب می‌شود. این در حالی بود که وی در حاشیه‌ی مراسم اعطای جایزه در آمریکا از دیده‌بان حقوق بشر به روزنامه‌ی واشنگتن پست

می‌گوید: «امروز من علیه آنچه در ایران می‌گذرد، مبارزه می‌کنم. امیدوارم کاری که می‌کنم چیزی را تغییر دهد.» (www.gerdab.ir)

سه- گزارش‌دهی سالانه وزارت خارجه آمریکا و متحدین آن

امریکا، انگلیس، کانادا و اتحادیه اروپا سالانه بخش قابل‌توجهی از گزارش‌های حقوق بشری یک‌جانبه خود را به ایران اختصاص می‌دهند؛ به عنوان نمونه وزارت خارجه بریتانیا، گزارش سیصد صفحه‌ای حقوق بشر خود را در سال ۲۰۱۱ منتشر کرد که بخش قابل‌توجهی از آن را به ایران اختصاص داد. وزارت امور خارجه آمریکا نیز در فروردین سال جاری، در اقدامی مشابه و البته سنتی، گزارشی ۷۰ صفحه‌ای از وضعیت حقوق بشر در ایران منتشر کرد. در این گزارش نیز ایران به نقض جدی حقوق شهروندان متهم شده بود.

چهار- عملیات روانی رسانه‌های وابسته به غرب

یکی از بهترین موضوعاتی که احساسات منفی مخاطب را برمی‌انگیزد انتساب نقص حقوق بشر به فرد یا یک دولت می‌باشد، از این رو مقوله حقوق بشر در فرایند عملیات روانی می‌تواند به عنوان محوری مؤثر مورد استفاده قرار گیرد. یکی از مراکز فعال در زمینه معرفی ایران به عنوان ناقض حقوق بشر، رسانه‌های غربی و ضدانقلاب است. در این راستا اخبار با مضامین حقوق بشر، به صورت روزانه علاوه بر زبان فارسی به زبانهای انگلیسی، فرانسه، کردی، عربی، ترکی و بلوچی در وب سایت‌ها، مجموعه همراه با عکس، ویدئو و فایل صوتی و اسناد متنی منتشر می‌شود. همچنین رادیو فردا، فارسی وان، بی.بی.سی، شبکه VOA و سایر رادیوها و تلویزیون‌های ماهواره‌ای، به طور ویژه در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران به سخن‌پراکنی مشغول هستند. (ر.ک: گروه مطالعاتی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۰-۱۸۱) آنها حتی خبرگزاری‌هایی را مانند هرانا

ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران راه انداختند که تمامی اخبار دروغ درباره نقض حقوق بشر در ایران را به بهانه حمایت از قربانیان نقض حقوق بشر در ایران پوشش می دهند.

پنجم - سانسور موارد نقض حقوق بشر در امریکا

نکته بسیار جالب در مباحث حقوق بشر معاصر صیانت جوامع غربی از اتهام نقض حقوق بشر می باشد. اگر موردی هم اتفاق بیفتد و جنجال به پا کند، معمولاً تنها به عنوان عملکرد سوء برخی افراد مورد نکوهش قرار گرفته و سریعاً موضوع به بوته فراموشی سپرده می شود.

دولت امریکا به عنوان کشوری که خود را ابر قدرت جهانی و اصلی ترین حامی ادعایی حقوق بشر در همان معنای غربی آن می داند، خود بدترین کارنامه را در رعایت همان قواعد مورد ادعای خود دارد. در ادامه به اختصار، مهمترین موارد عدم رعایت حقوق بشر توسط این کشور بر اساس گزارشات ارائه شده توسط خود سازمان های غالباً امریکایی و انگلیسی موجود است (www.ohhchr.org)

۱. اولین مسئله در عدم رعایت حقوق بشر توسط امریکا، عدم الحاق این کشور به بسیاری از کنوانسیونهای مربوط به حقوق بشر است. کشوری که داعیه دار پرچمداری در پیشبرد اهداف ملل متحد و رعایت حقوق انسانی است، خود حتی به بهانه های متعدد از پیوستن به معاهدات حقوق بشری خودداری نموده است. این کشور نه تنها تاکنون به عضویت کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پروتکل اختیاری کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون بین المللی حمایت از افراد در برابر ناپدید شدن اجباری، کنوانسیون رم در خصوص اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در نیامده است،

بلکه بر اساس اعلام کمیسیون امریکایی حقوق بشر، به عضویت هیچ کدام از اسناد حقوق بشری منطقه‌ای نیز در نیامده است. در تعدادی از کنوانسیون‌ها که وارد شده است، حق شرط‌هایی مقرر داشته که دایره تعهدات بین‌المللی این کشور را بسیار محدود می‌نماید. (August 2010, p.2)

۲. این کشور خود را در عمل متعهد به رعایت هیچ گونه قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه توسط نیروهای آن کشور در فراتر از مرزهای خود نمی‌داند. (Report.p.8)

۱) حتی این کشور که با اشغال سرزمینهای بومیان امریکایی ایجاد شده است، حاضر نیست که اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص حقوق بومیان را به اجرا در آورد. (FPHIR c.p,5)

۲) حقوق افراد دارای معلولیت در این کشور نقض می‌گردد تا حدی که در این کشور افراد دارای معلولیت‌های جسمی و روانی به مجازات اعدام محکوم می‌شوند 4-5 (DR EDF.paragraphs .)

۳) علی‌رغم ادعای این کشور در رفع برده‌داری و تبعیض نژادی، به وضوح می‌توان شاهد تبعیض نژادی بود؛ امری که حتی مطبوعات و رسانه‌های عمومی آن کشور نیز آن را منعکس نموده و بر آن صحنه می‌گذارند. این کشور هیچ تلاشی در رفع تبعیضات عملی (Defacto) و حذف تبعیضهایی که توسط قوانین آن کشور ایجاد شده است، ندارند. گزارش‌های خود سازمان‌های امریکایی حاکی از آن است که بهره‌مندی از حقوق بنیادی انسان و حقوق بشر تابع نژاد، قومیت، ملیت، مذهب، درآمد، جنسیت و سفیدپوست بودن و غیر آن است (AI.P.1)

۴) تحریم‌های یک‌جانبه کشورهای دیگر دنیا مشکلاتی را برای مردم ایجاد نموده است؛ از جمله این کشور با دستور دادن و دیکته کردن به شرکت‌های امریکایی و غیر آن تلاش می‌کند، مانع فروش هواپیماهای مسافربری و قطعات آن شود و بر خلاف ادعای خود در گسترش تجارت آزاد تلاش دارد. حتی در

تأمین نیازهای اولیه زندگی افراد مانع و مشکل ایجاد نماید تا به اغراض سیاسی خود دست یابد. (ANEC.paragraph11)

۵) بازداشت‌های خودسرانه، طولانی مدت و بدون دسترسی به محکمه صالحه و نگهداری افراد در زندان‌های مخفی، بدون آنکه خانواده‌ها از آنها مطلع باشند، توسط ارگان‌های این دولت، چه در درون خاک این کشور و خارج از آن، مشکلی جدی در دنیا ایجاد کرده است. آدم‌ربایی، نقض حقوق افراد و سلب آزادی‌های آنها بدون هیچ‌گونه علتی، نشان‌دهنده عدم پایبندی این کشور به هیچ قاعده و نرْمی (Norm) در رعایت حقوق انسانهاست.

۶) خشونت بی‌حد و حصر پلیس و مسئولین زندانها در امریکا (AI.p.4) که نمونه‌های بسیار متعددی از طریق رسانه‌های جمعی پخش شده و می‌شود، نقض آشکار حقوق افراد است که دولت امریکا با کوتاهی در پیگیری و رسیدگی به این موارد، مسئولیت دو چندان (AI.p;3) دارد. توسل به انواع شکنجه‌ها در جهت اخذ اعتراف و غیره که حتی در دستورالعمل‌های وزارت جنگ این کشور نیز منعکس گردیده بود و هنوز هم عملاً ادامه دارد، جنبه دیگری از نقض حقوق بشر در امریکا است که واکنش جامعه جهانی را می‌طلبد.

۷) بر اساس اعلام نهادهای امریکایی، منع شکنجه در این کشور از جایگاه قانونی مشخصی برخوردار نمی‌باشد و حتی پذیرش کنوانسیون حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی، همراه با شرط‌هایی بوده است که اعمال این مقررات امریکا را در وضعیتی مبهم و غیرشفاف قرار می‌دهد.

۸) وضعیت زندان‌های این کشور به حدی آزاردهنده است که بر اساس اعلام برخی سازمانهای حقوق بشری گفته می‌شود تمامی زندانیان در این کشور در انفرادی به سر می‌برند. بر اساس گزارشهای نهادهای بین‌المللی حقوق بشری، زندانیان در این کشور بیش از ۲۳ ساعت در روز و در مواردی کل ساعات روز

را در سلولهای بسیار کوچک و در بسیاری از موارد بدون نورگیر و پنجره و بدون امکان هیچ گونه فعالیتی می گذارند. (AI.p.4.)

(۱) اقدامات این کشور علیه اقلیت‌های مذهبی به ویژه مسلمانان و ایجاد محدودیت برای ساخت مساجد در این کشور و فعالیت‌های سازمان‌های مسلمان، نمونه دیگری از نقض حقوق بشر، به ویژه آزادی عقیده، مذهب و بیان محسوب می‌گردد. خشونت بی‌حد و حصر علیه اقلیتها از جمله مسلمانان و عدم تصویب قانونی در زمینه حمایت از قربانیان جرائم و ارائه گزارش مربوط به جرائم ناشی از تنفر، از جمله ایرادات مطرح نهادهای حقوق بشری می باشد. (USHRN.pargrph15.)

(۲) نقض سیستماتیک حقوق کودکان و زنان، خشونت جنسی بی‌حد و حصر علیه زنان که حتی به وفور میان نظامیان این کشور نیز به چشم می‌خورد و حتی علیه زندانیان و دستگیرشدگان در مخاصمات بین‌المللی نیز وجود دارد، نمونه سبعانه نقض حقوق بشر توسط ارگانهای این دولت و نقض تعهد به تعقیب و پیگیری این موارد است. (JDI.pp.1-5.)

۱۳- حق خلوت و حقوق خانواده در این کشور مورد نقض جدی قرار گرفته است. شنود و بازرسی کلیه مکالمات و مکاتبات الکترونیکی (بدون در نظر گرفتن موازین قانونی) هیچ گونه حریم خصوصی برای افراد باقی نمی‌گذارد. وارد شدن ضربات جدی به ارزشهای خانوادگی که با حمایت دولت امریکا صورت می‌گیرد، از جمله مسائل مربوط به ازدواج همجنسان و غیره، آسیب جدی به نهادهای خانواده در این کشور وارد آورده است و مفاهیم حقوق بشر را در این کشور دچار ضربات جدی کرده است. (Js 10.pp.3-4)

(۳) مبارزه با تروریسم به بهانه‌ای برای مقامات امریکایی در نقض حقوق بنیادین افراد تبدیل شده است دولت امریکا خود را مقید به هیچ‌گونه تعهد بین‌المللی در مبارزه با تروریسم نمی‌داند و به انواع شیوه‌ها، حقوق بین‌المللی،

بخصوص حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را نقض می‌نماید (DHCA.p.4). به راه انداختن دو جنگ در افغانستان و عراق، فجایع رخ داده در این دو کشور و حمایت‌های این کشور در نقض حقوق بین‌المللی توسط رژیم صهیونیستی، خود دفتر دیگری است که ذکر آن صرفاً برای بیان جنایات این دولت چه در ارتکاب آن و حمایت از ارتکاب آن و چه در کوتاهی در جلوگیری از ارتکاب آن و مبارزه با آن کافی است.

حتی اگر در یک سازمان بین‌المللی بیانیه‌ای یا قطعنامه‌ای در خصوص وضعیت بد حقوق بشر در یک کشور غربی صادر شود، باز همین کشورهای غربی خود را متولی بلامنازع حقوق بشر می‌دانند.

ششم - برخورد تبعیض‌آمیز با جوامع در خصوص حقوق بشر

همان‌طور که به طور ضمنی در بخش‌های قبلی اشاره شد غرب برخوردی تبعیض‌آمیز در خصوص حقوق بشر با کشورهای مختلف دارد. چه بسا دولتهایی که حتی با انگاره‌های غربی هماهنگ نیستند، اما از سوی غرب مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد؛ چرا که غرب منافع خود را در سکوت می‌بیند و به طور تاکتیکی از موضوع حقوق بشر چشم‌پوشی می‌نماید. از سوی دیگر دولتهایی هستند که غرب حتی با استناد به گزارشها و اخبار غیر معتبر یا غیر مستند در خصوص نقض حقوق بشر، آنها را تحت فشار قرار می‌دهد.

هفتم - القای صلاحیت محاکم غربی در استیفای حقوق افراد دیگر جوامع

یکی از پدیده‌های بسیار قابل توجه تظلم‌خواهی و دادرسی موارد نقض حقوق بشر در محاکم غربی در ارتباط با دیگر جوامع می‌باشد. این رویه، دو شکل دارد؛ نخست آنکه یک تبعه غیر غربی یا یک سازمان و تشکل غیر غربی

علیه اقدامات دولت متبوع خود در یک محکمه غربی شکایت می‌کند؛ دوم اعلام جرم و تعقیب آن، از سوی یک قاضی یا دادستان غربی علیه افراد وابسته به دولتی غیر غربی می‌باشد. هر چند این عمل تحت عنوان اجرای قوانین حقوق بین‌الملل صورت می‌گیرد اما صبغه‌ای کاملاً سیاسی دارد؛ یعنی معمولاً کشورهای هدف قرار می‌گیرند که با غرب دچار چالش هستند. به این ترتیب اینگونه القا می‌گردد که گویی تنها ملجأ قربانیان محاکم، غرب می‌باشد،

البته فضای موجود در جوامع غربی به جهت پدیده‌هایی چون مهاجرت و پناهندگی عملاً شرایطی را به وجود آورده است که زمینه چنین صلاحیتی تبلیغ و ترویج گردد. همچنین چه بسا پناهندگانی که صرفاً با هدف کسب پناهندگی تهمت‌هایی دروغ به دولتهای خود می‌بندند تا بتوانند جای پای برای اقامت در یک کشور غربی به دست آورند.

(formatted:Indem4:defore/ocm/firstxe/ocm)

هشتم - ایجاد بنیادهای فکری و آکادمی‌های آمریکایی و غربی

به طور کلی بنیادهای مختلفی در جنگ نرم علیه ایران فعال هستند که اسامی حدود ۶۰ مورد از این کانون‌ها و بنیادها را وزارت اطلاعات منتشر کرده است. این بنیادها بخشی از فعالیت‌های خود را به موضوع حقوق بشر اختصاص داده‌اند. به عنوان نمونه بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی، در این مورد فعالیت ویژه دارد. این بنیاد در سال ۱۹۹۱ م. موظف گردید تا رئوس برنامه‌های اجرایی خود را در قالب سندی استراتژیک و هر پنج سال یکبار منتشر سازد. تا کنون این بنیاد چهار سند استراتژی خود را در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۷، ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ تنظیم و منتشر نموده است. این استراتژی موضوعاتی مانند حقوق بشر، آزادی‌های سیاسی، نقض قانون، حاکمیت ضعیف و دوگانه، کاهش فقر، بی‌عدالتی و مفاهیمی از این دست را بهانه اقدامات خود علیه کشورهای ضد آمریکایی مستقل

قرار داده است. تلاش بنیاد اعانه ملی برای مداخله در ایران نیز به دهه ۱۹۸۰م باز می‌گردد. در بانک اطلاعات پروژه‌های این بنیاد، اطلاعات مربوط به ۲۲ پروژه مرتبط با ایران ارائه شده که نشان می‌دهد این بنیاد از سال ۱۹۹۱م تا به امروز تحت عناوین مختلف از جمله حقوق بشر (جوانان، آموزش، رسانه‌ها و انتشارات و...) و حقوق کارگران و زنان به انجام مأموریت خود از سوی کنگره و سیا مشغول بوده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۵، ص ۸۵) خانه آزادی یکی دیگر از این بنیادها است. خانه آزادی تلاش می‌کند تا منبع اطلاعاتی جامعی را برای فعالان حقوق بشر ایران فراهم سازد و آنها را با منابع و همکاران دیگر خود در اقصی نقاط جهان مرتبط نماید. طبق این برنامه خانه آزادی باید ماهنامه‌ای الکترونیکی و دو زبانه (فارسی - انگلیسی) طراحی و راه‌اندازی کند تا به واسطه آن فضای مناسبی را برای بحث و بررسی دموکراسی سازی و حقوق بشر، البته تنها در ایران و نه در کشورهای همسو با منافع آمریکا، مانند مصر و عربستان فراهم آورد. این مجله الکترونیک که «گذار» نامیده شده، موظف شده است تا مجموعه‌ای از مقالات، بررسی و نقد کتاب، بررسی و نقد فیلم، گزارش‌های تصویری، نامه‌ها و بیانیه‌ها، کاریکاتورهای سیاسی و... را از ایرانیان داخل و خارج با تمرکز بر روی حقوق بشر و چالش‌های دموکراسی سازی گرد آورد. (همان: ۱۲۳) از سوی دیگر در این زمینه خانه آزادی (Freedom House) و انستیتوی سیاست مترقی (Progressive Policy Institute) و اندیشکده دموکراتیک به همراه چند اندیشکده دیگر و استراتژیست‌ها و کارشناسان سیاست خارجی، ائتلافی به وجود آورده‌اند که هدف آن برجسته سازی حقوق بشر و دموکراسی در ایران است. (مشرق، ۱۳۹۰/۱/۱۵) به عنوان نمونه آکادمی علوم آمریکا، فراخوان برای اعطای بورس به ایرانیان طرفدار حقوق بشر آمریکایی داشته است.

نهم- شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد:

در گذشته، آمریکا و قدرت‌های غربی به دلیل ساختار سابق کمیسیون حقوق بشر در تحمیل خواسته‌های خود از شرایط و موقعیت به مراتب بهتری برخوردار بودند. با تغییر این ساختار و ایجاد شورای حقوق بشر در سازمان ملل و خروج آمریکا از شورای حقوق بشر، غرب با محدودیت‌هایی در راستای پیشبرد اهداف خود مواجه شد، اما با عضویت مجدد آمریکا در شورای حقوق بشر در طی دو سال گذشته، دوباره وضعیت جدیدی بر این شورا حاکم شده که یکی از نتایج آن صدور قطعنامه علیه ایران و تعیین گزارش در ۵ فروردین ماه سال جاری است.

۳- چالش حقوق بشر در روابط آمریکا (غرب) و جمهوری اسلامی ایران

مهمترین محل برخورد غرب با جمهوری اسلامی ایران، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بوده است. اما طی سالهای گذشته اروپا از طریق گفتگوهای انتقادی انتقادات حقوق بشری خود را در قبال جمهوری اسلامی ایران ادامه داده است؛ تا جایی که موضوع حقوق بشر، یکی از شروط چهارگانه گسترش روابط از طرف آنها با ایران اعلام گردید. آمریکا نیز در شرایط فقدان روابط رسمی دیپلماتیک با ایران موضوع حقوق بشر را در کنار اتهامات حمایت از تروریسم، گسترش سلاحهای کشتار جمعی و استفاده غیرصلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای مورد توجه قرار داده است. غرب ضمن برخورد تبعیض‌آمیز با جمهوری اسلامی ایران در قیاس با بعضی کشورها در خصوص موضوع حقوق بشر، از آن به عنوان یک اهرم فشار سیاسی و به عنوان یکی از محوری‌ترین کلیدهای عملیات روانی خود علیه ایران بهره‌برداری نموده است؛ به عنوان نمونه، آمریکا بسیار کم از رفتارهای غیر انسانی اسرائیل علیه فلسطینیان انتقاد می‌نماید. از سوی دیگر مقولاتی چون قصاص نفس، حجاب و نظارتهای اخلاقی بر رفتارهای اجتماعی که در بسیاری از جوامع بر اساس نگرشها ارزشی و فرهنگی پذیرفته

شده هستند، تحت عنوان موارد نقض حقوق بشر قلمداد گردیده و علیه موقعیت سیاسی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران مورد سوء استفاده غرب قرار می‌گیرد. از جمله اقدامات دیگر غرب در قبال موضوع حقوق بشر در ایران، تلاش برای منحرف ساختن مبارزات و جنبش‌های حقوق بشری به سمت و سویی است که در راستای منافع غرب باشد. متأسفانه تلاش زیادی صورت گرفته که چهره جمهوری اسلامی ایران در انظار جهانیان مخدوش جلوه داده شود و به عنوان یک نظامی که پایبند به اصول و موازین جهانی مربوط به حقوق انسانها نیست، معرفی گردد. با تدقیق در نوع روابط سیاسی جمهوری اسلامی و ایالات متحده در بستر حقوق بشر، مهمترین موضوعات مطرح شده علیه ایران در قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، در مورد وضعیت حقوق بشر ایران و واکاوی و تجزیه و تحلیل آن بوده است.

یک- تحلیل قطعنامه‌های حقوق بشری سازمان ملل متحد در مورد ایران

تجزیه و تحلیل محتوای قطعنامه‌های حقوق بشر سازمان ملل متحد در مورد وضعیت حقوق بشری ایران در مرحله نخست، در قطعنامه‌های سازمان ملل، به طور عام، و سیر رسیدگی قطعنامه‌های حقوق بشری در مورد ایران، به‌طور خاص بررسی می‌گردد. قطعنامه‌های سازمان ملل متحد بیان رسمی عقیده یا خواسته ارگانهای ملل متحد محسوب می‌شوند و به طور کلی شامل دو بخش مقدمه و قسمت عملی هستند.

از آنجا که بر اساس منشور ملل متحد، مسئله حقوق بشر بیشتر به مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارد، در این راستا، ابتدا به آنها اشاره و سپس قطعنامه‌های شورای امنیت مورد واکاوی قرار می‌گیرد. بیشتر قطعنامه‌های مجمع عمومی بدون رأی‌گیری اتخاذ شده اند.

آرای مجمع عمومی در مورد قطعنامه‌ها از طریق حمایت دولت‌ها به ثمر می‌رسد. به طور کلی، آنها بیانیه‌های نمادینی هستند که موضوعات جهانی را پوشش می‌دهند. بیشتر قطعنامه‌های مجمع عمومی در عین اینکه جنبه نمادین جامعه بین‌المللی هستند، به عنوان یک عامل قانونی یا عملی به وسیله مجمع قابل اجرا نیستند. (<http://www.answer.com>)

کمیسیون حقوق بشر به عنوان زیرمجموعه شورای اقتصادی، اجتماعی، به عنوان یکی از هفت کمیسیون کارکردی شورای اقتصادی و اجتماعی (از ارگانهای اصلی مبتنی بر منشور سازمان ملل در زمینه حقوق بشر) به حساب می‌آید. تعدادی از کشورها، به لحاظ گزارش‌هایی که در خصوص نقض حقوق بشر در آنها به طور مستمر به کمیسیون داده می‌شد و احياناً برخی ملاحظات دیگر. بر اساس قطعنامه‌ای که در کمیسیون تصویب می‌شد، تحت نظارت و رسیدگی ویژه کمیسیون قرار می‌گرفتند و کارشناسی که معمولاً یک حقوقدان مجرب و صاحب‌نظر در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر بود، به عنوان نماینده ویژه کمیسیون، تعیین می‌شد که کلیه مسائل حقوق بشری آن کشور را طی یک سال، زیر نظر گیرد و اطلاعات مختلف را از منابع گوناگونی، جمع‌آوری و با دولت مربوطه تماس حاصل کند، توضیح بخواهد و با جلب موافقت او، اطلاعات دست اول را گرفته و گزارش خود را همراه با تجزیه و تحلیل و اظهار نظر و جمع‌بندی به کمیسیون ارائه دهد. (مهرپور، ۱۳۷۴، ۱۵۳-۱۵۵) کمیسیون پس از بررسی گزارش‌های ارسالی و مذاکره و گفت‌وگو با نمایندگی کشورها به صدور قطعنامه اقدام می‌ورزید. شایان ذکر است عملکرد آمریکا در کمیسیون سابق حقوق بشر باعث بی‌اعتباری و ناکارآمدی کمیسیون شد (یعنی اقدام‌گزینشی و معیار دوگانه برای بررسی نقض حقوق بشر) که انتقادهایی را علیه آن برانگیخت، موجب انحلال این نهاد بین‌المللی شد و در پی انحلال کمیسیون، وظایف آن به شورای حقوق بشر محول شده است.

دو- سیر رسیدگی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مهمترین مراجع بین‌المللی در خصوص تشخیص نقص حقوق بشر در کشورها هستند. آنچه در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم رخ داده، حاکی از آن است که مناسبات و سازوکارهای تهیه گزارشات و رأی‌گیری در خصوص آنها، به شدت تحت تأثیر قواعد سیاست بین‌المللی و نیز جهت‌گیری‌های قدرتهای بزرگ به ویژه، قدرتهای غربی می‌باشد. با اینکه وضعیت حقوق بشر در ایران پیش از انقلاب اسلامی نیز مورد انتقاد برخی از نهادهای بین‌المللی بوده و حتی منجر به اعزام نمایندگانی برای بررسی این موضوع و بازدید از زندانهای ایران نیز شده است، ولی با این وجود تا پیش از انقلاب اسلامی هیچ گزارشگر ویژه‌ای برای ایران منصوب نشده است. اما بعد از انقلاب شرایط به صورت کامل دگرگون شد و ایران در کانون توجه نهادهای مرتبط با مسائل حقوق بشری قرار گرفت و خیلی زود از ساز و کارهای مختلف نهادهای بین‌المللی برای تحت فشار قرار دادن ایران استفاده شد. با بررسی اسناد و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، مشخص می‌شود که از میان ارکان حقوق بشری سازمان ملل تا کنون کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد در خصوص وضعیت حقوق بشر در ایران قطعنامه صادر نموده‌اند و شورای امنیت سازمان ملل تا کنون قطعنامه‌ای در این زمینه صادر نکرده است. با توضیحاتی که در مورد تنوع و پراکندگی ارگان‌های صادرکننده قطعنامه‌های حقوق بشری بیان شد، باید گفت در پی طرح مباحث مربوط به حقوق بشر در فاصله سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱ مجموعاً پنج گزارشگر ویژه برای ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر منصوب شد. در کمیسیون فرعی ۱۹۸۰ (۱۳۵۸ ش) نمایندگی ویژه‌ای جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران

از سوی سازمان ملل تعیین گردید. نمایندگی ویژه کمیسیون در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران عبارت بودند از آقای «اندره آگیلار ونزوئلایی» (Andres Aguilar) که به عنوان گزارشگر ایران انتخاب شد و اولین گزارشگر ویژه ایران بود که با اینکه در دوره مأموریت خود تا سال ۱۹۸۸ که از این سمت استعفاء داد، موفق نشد به ایران سفر کند، ولی در همین مدت دو گزارش در مورد ایران به کمیسیون و مجمع عمومی ارائه کرد که در هر دو گزارش از عدم همکاری ایران گلایه و وضعیت حقوق بشر در ایران نامطلوب توصیف شد. (۳) با استعفای آگیلار، نماینده ویژه بعدی کمیسیون، رینالدور گالیندوپل، بر سر کار آمد. او برخلاف آگیلار توانست در مدت حدود هشت (۱۹۸۶ تا ۱۹۹۵) سال مسئولیت خود، سه بار (سالهای ۹۰ و ۹۱) به ایران سفر کند و طی این مدت ۱۵ گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر ارائه نمود. روند مثبت تعامل ایران با این گزارشگر با انتشار گزارش گالیندوپل که در آن مجدداً انتقادات تنیدی نسبت به ایران صورت گرفته بود و علی‌رغم سه سفر وی به ایران از عدم همکاری تهران با او سخن گفته شده بود که این امر باعث شد او دیگر تا پایان مسئولیتش در سال ۱۹۹۵ موفق نشود به تهران سفر کند (Ghanea/op.cit.p438). نماینده دیگر مورس کوپیترن کانادایی، سومین گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران بود که از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۲ عهده دار این مسئولیت بود. او یکبار در سال ۱۳۷۴ به تهران سفر کرد و مجموعاً ۱۶ گزارش در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر ارائه کرد. در سال ۲۰۰۲ مسئولیت مورس کوپیترن به پایان رسید و دوره مأموریتش تمدید نشد. نماینده دیگر عبدالفتاح اموز بود که تحت عنوان گزارشگر ویژه نابردباری مذهبی در فاصله زمانی ۵-۲۲ دسامبر ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) از ایران دیدار نمود و نماینده دیگر، گزارشگر ویژه ترقی و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده به نام عابد حسین بود که در روزهای ۶-۱۰

ژانویه ۱۹۹۵ (۱۳۷۴) از ایران دیدار نمود (Ghanea, Op. cit, P. 43). نماینده دیگر در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ (۴ فروردین ۹۰) که شورای حقوق بشر سازمان ملل طی قطعنامه‌ای به تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران رأی داد، در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ (۲۷ خرداد ۹۰) و در راستای تعیین گزارشگر ویژه انجام شد که «احمد شهید» برای این عنوان انتخاب گردید.

نخستین قطعنامه کمیسیون حقوق بشر در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۰) تصویب شد و پس از آن همه‌ساله تا سال ۲۰۰۱ (۱۳۷۹) آخرین سال فعالیت کمیسیون حقوق بشر، قطعنامه‌ای در این خصوص به تصویب رساند. (Ibid/pp.108and437)

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در جریان چهلمین اجلاس خود در تاریخ ۱۳ دسامبر ۱۹۸۵ (۲۲ اذر ۱۳۶۴ ش)، نخستین قطعنامه خود را در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رساند، که در آن از روند وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی شده و ضمن دعوت دولت جمهوری اسلامی ایران به رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر و همکاری با نماینده ویژه "کمیسیون حقوق بشر" ادامه نظارت بین‌المللی بر نقض حقوق بشر در ایران را خواستار شد. از این سال به بعد تقریباً هر سال بر اساس گزارش نماینده ویژه که عموماً جنبه منفی آن غلبه داشته و نیز گزارش‌های دیگر، قطعنامه‌ای علیه ایران در کمیته سوم و سپس در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید و بر ادامه نظارت بین‌المللی بر وضعیت حقوق بشر در ایران تأکید می‌شد. طی اجلاس ۴۴ و ۴۵ مجمع عمومی در سال‌های ۱۹۸۹ (۱۳۶۷ ش) و ۱۹۹۰ (۱۳۶۸ ش) قطعنامه‌ها بدون هیچ‌گونه رأی‌گیری مبنی بر محکومیت ایران صادر شده و در اجلاس ۴۶ در سال ۱۹۹۱ (۱۳۶۹ ش) و ۵۷ در سال ۲۰۰۲ (۱۳۸۰ ش) اصلاً قطعنامه‌ای صادر نشد و قطعنامه پیشنهادی گروه غرب علیه

ایران در کمیسیون حقوق از آرای کافی برخوردار نشده و شکست خورد. تا کنون حدود بیست و دو قطعنامه در این راستا به تصویب مجمع عمومی رسیده است. در اینجا باید به ذکر این نکته پرداخت که اگرچه به طور کلی قطعنامه های مجمع ملل متحد جز منابع اصلی حقوق بین المللی منظور نمی شوند، اما حقوقدانان معتقدند قطعنامه ها انعکاس افکار عمومی جهان بوده و در دراز مدت اثر حقوقی دارند. این انعکاس به عنوان اجماع و اتفاق نظری از ناحیه دولت ها به حساب می آید. البته اجماعی در زمینه مطلق قطعنامه و همچنین به اتفاق آرا بودن آن توجه شود. روند کنونی بر این است که به طور تدریجی برخی قطعنامه ها به عنوان منبع الزام آور حقوقی بین المللی به شمار آمده و آثار درازمدت آنها می تواند به عنوان عرف بین المللی تلقی شود. (خرازی، ۱۳۸۷، شماره ۴، ص ۵۳) بنابراین قطعنامه های مجمع عمومی التزامی علیه دولت ها ایجاد نمی کند، لکن از لحاظ تأثیر عمیقی که در قوانین داخلی و روابط بین ملتها دارد، حائز اهمیت است. (طباطبائی موتمنی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰)

سوم - محتوای قطعنامه ها

چالش غرب با جمهوری اسلامی ایران با محوریت حقوق بشر در قطعنامه های صادره از سوی کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، بیشتر بر مسائلی نظیر تبعیض نسبت به اقلیتهای مذهبی، اقلیت های قومی و اقلیت زبانی، تبعیض نسبت به زنان و دختران در قانون و در عمل، آزادی های اساسی از جمله آزادی مطبوعات، آزادی بیان، عقیده و اجتماع، بسته شدن روزنامه ها و سایتهای اینترنتی، اصلاح مجازاتها (بالا بودن میزان اعدامها، شکنجه و تنبیهات غیر انسانی، تعیین مجازات مرگ به عنوان مجازات انحلال اجباری احزاب سیاسی و مذهبی، اصلاح طلبان سیاسی، روزنامه نگاران، نمایندگان مجلس، ممنوعیت بازداشت های

خودسرانه و... معطوف بوده است. (مه‌رپور، ۱۳۷۲، ص ۱۶۶)

در ۲۴ مارس ۲۰۱۱ (۴ فروردین ۹۰) شورای حقوق بشر سازمان ملل طی قطعنامه‌ای به تعیین گزارشگر ویژه حقوق بشر برای ایران رأی داد. گفتنی است، این قطعنامه با نصاب ۲۲ رأی موافق از ۴۷ عضو شورای حقوق بشر در شرایطی به تصویب رسید که نقش مرموزانه و لابی آشکار آمریکا در آن غیرقابل انکار بود. علاوه بر آنکه پیش‌نویس این قطعنامه از سوی آمریکایی‌ها تنظیم شد، لابی‌های گسترده و اشنگتن به حدی بود که حتی رسانه‌های آمریکایی و از جمله (VOA) اعتراف کردند نقش دولت اوپاما در تصویب این قطعنامه از چشم ناظران پنهان نماند. بنابراین قطعنامه یادشده در گام اول این بازی تصویب شد، ولی چند نکته وجود داشت: اول اینکه تعیین گزارشگر ویژه برای ایران کاملاً بر مبنای اغراض سیاسی انجام شد و نه قواعد و مقررات حقوقی؛ دوم اینکه صدور این قطعنامه فاقد وجاهت قانونی بود. سوم اینکه با توجه به همکاری‌های ایران در قالب مکانیسم یوپی آر (بررسی وضعیت دوره‌ای حقوق بشر در کشورها) و همچنین پذیرش گزارشگر موضوعی حقوق بشر، تصویب قطعنامه‌ای برای تعیین گزارشگر ویژه، و نه موضوعی، خارج از رویه حقوق بشری بود و یک بدعت به شمار می‌رفت و... گام دوم این بازی در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ (۲۷ خرداد ۹۰) و در راستای تعیین گزارشگر ویژه انجام شد که «احمد شهید» برای این عنوان غیرقانونی انتخاب گردید.

البته باید بیان کرد به رغم انتقادهای صورت گرفته همواره به پیشرفت‌ها در حوزه‌های گوناگون حقوق بشری نیز اشاره شده است که از جمله آنها می‌توان به پیشنهاد رئیس قوه قضاییه در دی ۱۳۸۱ ش (دسامبر ۲۰۰۲) جهت انتخاب تنبیه دیگر در مواردی که حکم سنگسار تعیین شده و تلاش‌های صورت گرفته از سوی حکومت منتخب در جهت تسریع رشد جامعه مدنی، مذاکرات حقوق

بشری با تعدادی از کشورها، اعلامیه رئیس قوه قضائیه در اردیبهشت ۱۳۸۳ ش (آوریل ۲۰۰۴) مبنی بر منع شکنجه و تصویب آن توسط شورای نگهبان در خرداد ۱۳۸۳ ش (می ۲۰۰۴)، همکاری با ادارات سازمان ملل در حیطه برنامه‌های توسعه در زمینه‌های حقوق بشر، حکومت‌مداری مطلوب و قانون آزادی تعدادی از زندانیان بدون طی مراحل قانونی اشاره نمود.

مستندات کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل علاوه بر ارجاع به قطعنامه‌های سابق الصدور خود و کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی آن (مربوط به جلوگیری از تبعیض علیه اقلیتها و حمایت از آنان) به جمع‌بندی و اظهار نظر «کمیته رفع تبعیض نژادی» و «کمیته حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی» استناد نموده است. کمیته‌های سه‌گانه مزبور گزارش کشورهای عضو اسناد یادشده را مورد بررسی قرار داده و گزارش و ملاحظات خود را به مجمع عمومی منعکس می‌نمایند. دولت ایران هر سه سند را بدون قید و شرط امضا و تصویب نموده و جمهوری اسلامی ایران به تبع آن متعهد است موازین این اسناد را در قانون‌گذاری و اجرا پیاده نموده و گزارش دوره‌ای خود را زمینه انطباق مقررات و روشهای اجرایی با موازین مزبور به کمیته‌های یادشده فوق ارائه دهد و از آن دفاع کند. همچنین در تمامی قطعنامه‌های صادره در خصوص وضعیت حقوق بشر ایران از سوی کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی ملل متحد همواره از ایران خواسته شده که به عنوان یکی از اعضای کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر، به تعهداتی که آزادانه تحت لوای میثاق‌ها و سایر اسناد بین‌المللی در خصوص حقوق بشر پذیرفته، عمل کند و تضمین دهد تمامی افراد ایران از حقوق به رسمیت شناخته در این اسناد برخوردار خواهند بود. در تمامی قطعنامه‌ها آنچه به طور مستقیم و غیرمستقیم خدشه بر آن وارد شد، اصل حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران است. نفس صدور قطعنامه از یک سو و محتوای قطعنامه‌ها از سوی دیگر، در تضاد دیپلماتیک حاکمیت دولت ایران قرار

می‌گیرد. (مهرپور، ۱۳۷۲، ص ۱۸۲)

واکنش ایران

جمهوری اسلامی ایران طی سال گذشته در مورد قطعنامه‌های حقوق بشری سازمان ملل، واکنش‌های گوناگونی نشان داده است. واکنش ایران به هیچ عنوان یک‌دست نیست. به طور کلی جمهوری اسلامی ایران انگیزه دولت‌هایی را که در صدور قطعنامه علیه وضعیت حقوق بشر آن فعالیت می‌کنند، سیاسی، خصمانه و توسعه‌طلبانه می‌داند. ایران به دوگانگی و چندگانگی رفتار حقوق بشری کشورهای غربی و استفاده ابزاری از این حقوق انتقادهای سختی داشته و دارد. انتقادهای ایران بعضاً ساختارشکنانه بوده و اصل و ماهیت این روندها را زیر سؤال می‌برد.

ایران در عین حال، از تمام ظرفیتهای بشری دیپلماتیک خود برای شکست قطعنامه‌های حقوق بشری استفاده می‌کند. هر چند در توجه به دیپلماسی، برای شرکت دادن قطعنامه‌های حقوق بشری در زمان‌های مختلف متضاد بوده و شدت و ضعف داشته است، شکست قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر در ۲۰۰۲ (۱۳۸۱) یکی از دستاوردهای دیپلماسی چندجانبه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. اما آنچه در نگاه جمهوری اسلامی ایران به قطعنامه‌های حقوق بشری برجسته است، بیشتر نگاه سیاسی است و این نحوه نگاه، حساسیت قطعنامه‌ها را از زاویه مفهوم حاکمیت کم‌رنگ می‌کند. هر چند در سیاسی بودن قطعنامه‌های حقوق بشری نه فقط علیه ایران بلکه در مورد سایر کشورها نیز تردیدی نیست و نمی‌توان آنها را از زاویه انگیزه‌های سیاسی تدوین‌کنندگان مد نظر قرار نداد، ولی صرف‌نظر از اغراض سوء غرب در قبال جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با موضوع حقوق بشر، لازم است زمینه‌های آسیب‌پذیری نظام نیز در این حوزه مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. متأسفانه تلاش زیادی صورت گرفته

که چهره جمهوری اسلامی ایران در انظار جهانیان مخدوش جلوه داده شود و به عنوان یک نظامی که پایبند به اصول و موازین جهانی مربوط به حقوق انسانها نیست، معرفی گردد.

وقتی انسان می بیند نظامی که با آرمان عدالت خواهی و رفع ظلم و تبعیض و احترام به آزادی و کرامت انسانی، با کوله باری از تعلیمات انسانی مکتب اسلام و با ایثار و فداکاری انسانها و با فضیلت و اراده به ثمر رسیده، استقرار یافته و داعیه جهان شمولی اهداف انسانی خود را داشته و کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت (بند ۱۶ اصل ۲ قانون اساسی) و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان (بند ۱۶ اصل ۳) را از مبانی اساسی نظام خود قرار داده است و در عین حال، در ردیف نظام های خودکامه و ناقض حقوق بشر قلمداد می گردد، بی انداره رنج می برد و به غرور دینی اسلامی و ملی اش بر می خورد و می خواهد کاری کند که این وضع تغییر یابد. ضمن اینکه این مسئله به حیثیت جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران لطمه می زند و نفس این مسئله امر غیر قابل تحملی است و تبعات منفی سیاسی و اقتصادی نیز برای کشور دارد که نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود. خوب است گزارش گزارشگران را (که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم به مأموریت خود ادامه می دهند و آثار خود را بر جای می گذارند) مسئولین انتظامی و قضایی، بخصوص قضات محاکم و دادسراها دقیقاً بخوانند و بر مطالبی که در آن گزارش آمده، واقف گردند و با احساس مسئولیت برای آن چاره جویی کنند. قسمتی از مطالب گزارش مربوط می شود به ادعاهای نقض مقررات مربوط به حقوق انسانی افراد. این موارد باید به دقت بررسی شود. آنچه دروغ و خلاف واقع است، مستدلاً پاسخ داده شود و اگر احیاناً مواردی درست گزارش شده و تخلفی صورت گرفته، سریعاً نسبت به رفع تخلف و اصلاح وضع و تنبیه متخلف اقدام گردد. در واقع این عیب جویی دشمن نعمتی تلقی شود برای تذکر و تنبیه و اصلاح امور که هم خدا راضی می شود و هم خلق او و هم می توان

خصم عیب‌جو را مجاب کرد. قسمتی از مطالب گزارش هم ناظر به انتقاد از قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران است که آنها را مغایر میثاقهای بین‌المللی و منافی حقوق انسان می‌داند. به نظر می‌رسد با توجه به مبانی منطقی و قوی جمهوری اسلامی ایران، اقدامات زیر در سطح داخلی و بین‌المللی صورت گیرد.

یک- لزوم بحث علمی و منطقی در مورد مفهوم حقوق بشر

بحث علمی و منطقی گسترده و عمیقی در مورد مفهوم حقوق بشر و نگرش اسلام در این خصوص و نقد و بررسی اصول و موازین اعلام شده، به عنوان اصول مسلم و جهان‌شمول حقوق بشر باید صورت گیرد. در این زمینه باید کسانی که عمیقاً از مبانی اسلامی مطلع‌اند و از قدرت اجتهاد، به معنی وسیع و کامل آن برخوردارند و دارای سعه صدر و فارغ از پیش‌داوریهای غیرعلمی و غیرمنطقی هستند و با مفاهیم و اصطلاحات روز و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به حقوق بشر آشنایی دارند، بحثی جدی بنمایند و نکات مشترک و موارد افتراق را به خوبی روشن نمایند. اگر اسلام دیدگاه متفاوتی دارد باید به گونهای که دنیای امروز بتواند درک کند، آن دیدگاه تشریح شود و مزایایی آن برای تأمین بهتر حقوق ذاتی انسان تبیین گردد. از اصول اعلام‌شده حقوق بشر در اعلامیه‌ها و میثاقهای بین‌المللی نقد علمی به عمل آید و بر عدم قابلیت جهان‌شمول بودن تمام آن اصول استدلال منطقی ارائه گردد. (مهرپور، ۱۳۷۴، ص ۱۰۶)

گالیندوپل در گزارش (۱۹۹۳) خود به مجمع عمومی سازمان ملل، فصلی را به عنوان جهانی بودن یا جهان‌شمولی حقوق بشر (the universality of human rights) اختصاص داده و در آنجا اظهار داشته، وی در مباحثاتی که با مقامات ایرانی در مورد جهان‌شمولی حقوق بشر داشته و در مقابل تفسیرها و

برداشت‌هایی که مقامات عالی‌رتبه ایرانی در این خصوص داشتند، به‌شدت از کاربرد جهانی ابزارهای سازمان ملل دفاع نموده و عدم پذیرش بیانیه‌ها، عملکردهای منطقه‌ای یا ملی و نیز قوانین و مقرراتی که با معیارها و ابزارهای بین‌المللی در زمینه حقوق بشر مغایرت داشته و یا با آنها ارتباط منطقی ندارد را مورد تأکید قرار داده است. وی در آن فصل مدعی می‌شود که سیستم حقوق بشر سازمان ملل، جهانی است و بر وضعیتی که کلیه افراد بشر در آن سهیم‌اند پایه‌ریزی شده و دربرگیرنده انسان، در اصطلاح نوعی آن، بدون تمایز در خصوصیات مذهبی، نژادی، ملی، زبانی، اقتصادی یا سیاسی می‌باشد. به گفته وی سیستم جهانی حقوق بشر به قدر کافی انعطاف‌پذیر است تا با هر شرایط و ویژه‌ای وفق یابد، ولی در عین حال برای حفظ اصول و استانداردهای خود خلل‌ناپذیر است و در نظامهای داخلی که کاملاً با آن مطابقت نداشته باشند، نفوذپذیر است. طبعاً ما هم اصول کلی اسلام و مقررات اساسی آن را عام‌الشمول و قابل پیاده شدن بر همه جوامع انسانی و مفید و مناسب به حال همه آنها می‌دانیم؛ از این رو لازم است نقاط افتراق اصول حقوق بشر، اعلامیه و میثاق‌های جهانی با مقررات اسلامی را مشخص کرد و دلایل ضعف آنها و قوت موازین اسلامی را تشریح نمود و در مراجع مختلف بین‌المللی و سمینارهای مربوطه ارائه داد. هرچند اثر اجرایی بر این امر بار نیست، ولی جنبه روانی قوی دارد که می‌تواند در درازمدت اثر خود را ببخشد و در عین حال اگر بتواند هماهنگی و همسویی کشورهای اسلامی را به دست آورد و تأثیر عملی خوبی نیز می‌تواند داشته باشد. ضرورت تحقیق، تدوین و توسعه حقوق بشر اسلامی از طریق ایجاد مراکز مطالعاتی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی احساس می‌شود.

دو- تعیین و تبیین احکام و قوانین ثابت اسلامی

آن دسته از احکام و قوانین اسلامی که تحت هیچ شرایطی و در هیچ زمان و

مکانی قابل تغییر نیستند و با استقرار حکومت اسلامی باید اجرا شوند، مشخص و اعلام گردد و آنگاه با بیان عملی و منطقی و با اتکا بر آمار و ارقام و تجربیات به دست آمده، محاسن و سودمندیشان برای جامعه تشریح گردد. دنیای امروز حداقل از لحاظ تئوری مجازاتهای بدنی، از قبیل شلاق زدن، دست بردن، رجم و امثال آنها را حتی اگر به صورت حکم دادگاه بر مبنای مقررات قانونی باشد نیز مجازاتهای بی رحمانه و غیرانسانی می داند و ممنوعیت آنها را در میثاق بین المللی مدنی و سیاسی و تفسیرهایی که کمیته حقوق بشر از موارد آن می نماید، وارد کرده و همواره ایران را به اعمال مجازاتهای خشن بدنی متهم نموده و اعمال این مجازاتها را در ردیف شکنجه محسوب داشته و محکوم می نماید. (همان، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷) باید آن دسته از مجازاتهای این چنینی را که به هیچ عنوان قابل تغییر نیست مشخص نمود و آنگاه با بیانی مستدل و مستند به حقایق و واقعیات خارجی، صحت این امر و تأثیر آن را بر تقلیل جرایم و مصونیت جامعه و مغایر نبودنش با حیثیت ذاتی انسان تبیین کرد.

سوم- دقت لازم در وضع قوانین

در وضع قوانین و مقررات، به ویژه در مورد قوانین، جزایی دقت بیشتری مبذول گردد. ضمن اینکه طبیعتاً باید موازین اسلامی را در نظر گرفت که از آنها تخطی به عمل نیاید، لازم است در نحوه تدوین آنها، به تعهدات جمهوری اسلامی ایران به میثاقهای بین المللی نیز عنایت داشت. تعریف روشنی از جرم و مجازات به دست داد و از کلی گویی که می تواند در اجرا و عمل تفسیرهای بسیار متفاوت و دور از هم به وجود آورد و نتیجتاً مردم را در ابهام نسبت به تکالیف خود قرار دهد، پرهیز کرد و با عوامل خاطی از طریق ایجاد محاکم ویژه رسیدگی به نقض حقوق شهروندی افراد، به نحوی که زمینه رجوع اشخاص غیرمغرض به محاکم بیگانه از بین برود، برخورد کرد.

چهارم- اعمال دیپلماسی فعال با حضور جدی در مجامع بین‌المللی

رایزنی با کشورهای جهان، بخصوص اعضای جنبش عدم تعهد و کنفرانس اسلامی می‌تواند مفید باشد. تجربه نشان داده است که بسیاری از کشورهای جهان نقطه نظرات جمهوری اسلامی را تأیید کرده و بسیاری از آنها نسبت به نقض حقوق بشر در آمریکا منتقد بوده و معترض هستند. در این ارتباط می‌توان در سایه یک برنامه‌ریزی دقیق با ۱۱۲ کشور که در اجلاس اخیر به قطعنامه ضدایرانی رای ندادند، ارتباط برقرار کرده و بر آرای آنان تأثیر گزارد.

پنجم- گفت‌وگوی مستمر با نهادهای غیردولتی و منتقدان داخلی آمریکا

با توجه به اینکه بیش از ۱۵ هزار سازمان غیردولتی ناراضی در آمریکا وجود دارد، حائز اهمیت است.

ششم- استمرار در افشای موارد نقض حقوق بشر در کشورهای بانی قطعنامه بر علیه ایران

نظیر پرده برداشتن از نقش سازمان سیا در عملیات مخفی در خارج از آمریکا به بهانه مقابله با تروریسم، نقض حقوق بشر توسط نیروهای نظامی و شرکت‌های امنیتی خصوصی آمریکا در عراق، افغانستان و دیگر کشورها، حمایت‌های آمریکا از رژیم صهیونیستی، توهین به اسلام و خشونت علیه مسلمانان در آمریکا، ظلم به بومیان آمریکا، یعنی سرخپوستان و تبعیض جدی نسبت به حقوق مهاجرین. در واقع مردم جهان باید از طریق رسانه‌های سنتی و اینترنتی مطلع شوند که آمریکایی‌ها بالاترین رقم زندانیان را در کشور خود با رقمی بالغ بر دو میلیون و سیصد هزار نفر دارند. در بعضی از زندانهای مخوف آمریکا، مثل گوانتانامو یا ابوغریب، بدترین برخوردها علیه زندانیان اعمال می‌شود. اهانت به مسلمانان که نمونه اخیر آن دعوت برای هتک حرمت به ساحت مقدس قرآن

بود، نمونه شاخص نقض حقوق حداقل یک میلیارد و چند صد میلیون جمعیت دنیا می‌باشد.

هفتم - تأسیس یک نهاد ملی مرتبط با حقوق بشر

در واقع شورایی از ستاد حقوق بشر قوه قضائیه، اداره کل حقوق بشر وزارت امور خارجه، کمیسیون حقوق بشر مجلس شورای اسلامی و نمایندگان نهادهای غیر دولتی ذیربط، می‌تواند حرکت‌های پراکنده را سامان داده و تحول آفرین باشد و از جمله اقدامات مثبت در این زمینه باید تلقی گردد.

هشتم - فرهنگسازی قانونمداری در جامعه و حکومت

معرفی مستقیم و فراگیر وضعیت حقیقی حقوق شهروندی در ایران به دیگر جوامع و دولتها از طریق دستگاه دیپلماسی و صدا و سیما ج.ا.ایران، با هدف خنثی‌سازی عملیات روانی غرب و سیاه‌نمایی‌های آن از جایگاه حقوق بشر در ایران.

نتیجه‌گیری

اگر بخواهیم منصفانه و بدون هیچ‌گونه موضع‌گیری فعالیت سازمان ملل را در زمینه بررسی وضعیت حقوق بشر در کشورها ارزیابی کنیم، باید بگوییم در اصل، اینکه یک نهاد رسمی بین‌المللی با ابزارها و امکانات مختلفی که در دست دارد، مراقب حقوق انسانهای تحت حکومت دولتها بوده و اعمال حکومتها را تحت نظارت و بررسی گرفته، تخلفات آنها را گوشزد نموده و با صدور قطعنامه به آنها هشدار می‌دهد، عملی است پسندیده، شایسته حمایت و پشتیبانی و مایه امید

آحاد ملتها و موجب جلوگیری از خشونت و باعث تقویت صلح عمومی است، ولی قراین نشان می‌دهد که از این عمل انسانی به صورت ابزاری در دست دولتهای قدرتمند و استکباری که خود، پرونده سیاهی در پایمال کردن حقوق ملت‌های دیگر داشته و دارند، برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بهره‌برداری می‌شود و مشروعیت و اعتبار و ارزش آن زیر سؤال می‌رود. در مورد جمهوری اسلامی ایران، چند سالی است که کشورهای امریکا و اتحادیه اروپا عمدتاً انگلیس، فرانسه، بلژیک، ایتالیا و آلمان، که هر کدام سوابق فراوان در ارتکاب بدترین جنایات ضدبشری به طور محسوس داشته و هم اکنون هم در بسیاری از موارد به طور نامرئی دارند، به خاطر دشمنی با انقلاب اسلامی، قطعنامه‌ای را پیشنهاد می‌کنند و با انواع وسایل از جمله تهدیدات سیاسی و اقتصادی سعی می‌کنند رأی کشورهای دیگر را بگیرند یا حداقل آنها را از دادن رأی به نفع جمهوری اسلامی ایران بر حذر داشته و قطعنامه را به تصویب برسانند. امثال گالیندویل و احمد شهید هم وسیله کار قرار می‌گیرند و هر مطلب و ادعایی را سنسجیده و تحقیق نکرده به عنوان نقض حقوق بشر در گزارش خود می‌آورند. هنگامی سوءظن نسبت به اعتبار این قطعنامه‌ها و تصمیمات بیشتر می‌شود که مشاهده می‌گردد، در زمان حاضر نیز دولتهای گرداننده این جریان، خود به راحتی اصول و موازین حقوق بشری خود را که به خاطر آن دیگران را محکوم می‌کنند، زیر پا می‌گذارند. نمونه‌ها فراوان است؛ مثلاً نقض حقوق اقلیتها، تبعیض بر علیه مسلمانان، نقض کنوانسیون‌های ژنو و شکنجه زندانیان در افغانستان، عراق، بزرگترین فروشنده تسلیحات نظامی جهان، حمایت از بزرگترین فاجعه حقوق بشر که توسط اسرائیل در سرزمین اشغالی فلسطین از بیش از ۶۳ سال گذشته تا کنون، حمایت مالی، نظامی و سیاسی کرده است. ایالات متحده امریکا معمولاً معیارهای دوگانه‌ای را در رابطه با امور حقوق بشر بین‌المللی دنبال می‌کند و به تعهدات حقوق بشر بین‌المللی خود پایبند نیست.

متأسفانه «گزینشی» و «چندگونه» عمل کردن سازمان ملل در امر حقوق بشر تلاش افراد با حسن نیت را نیز برای حصول موفقیت و اخذ نتیجه در جهت تأمین حقوق انسانی ملت‌ها و جدی گرفتن این مسئله با شکست روبه‌رو می‌سازد. اما در رابطه با موضوع جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد با همه این اوضاع و احوال باید مسئله وضعیت حقوق بشر و تحت نظارت بین‌المللی بودن کشورمان از این جهت را جدی بگیریم و اقدامات عملی و قانون‌گذاری و فعالیت‌های سیاسی ممکن را در جهت پایان دادن به وضع موجود یا بهبود بخشیدن آن را گسترش دهیم. به حساب مغرضانه بودن گزارشها و سیاسی بودن تصمیمات نباید از عیوب و نواقض و اشکالات وجود دارد، غفلت کرده و خود را از مسئولیت رها کنید. قابل انکار نیست که تخلفاتی در عمل وجود داشته، کارهای نسنجیده و کج سلیقه‌هایی صورت گرفته است. ابهامات و اشکالات در قوانین وجود دارد و ضعف و ناهماهنگی‌هایی در تبیین مواضع و روشن نمودن مسائل بوده و احیاناً هست که باید در مسیر اصلاح آنها اولاً برای رضایت خدا و احقاق حقوق مردم و سپس برای حفظ حیثیت و منافع کشور و نظام گام برداشت. در مورد نماینده ویژه نیز که به هر حال گزارش او مبنای کار و مستند تصمیم‌گیری مجمع عمومی است، باید شیوه مناسبی اتخاذ کرد؛ به موقع ابهامات و سؤالاتش را مستند و مستدل پاسخ داد و توضیحات لازم را در اختیارش گذاشت و به هر شکل از بار منفی گزارش کاست و حداقل آن را محدود به اختلافات اصولی نمود.

تعهد جمهوری اسلامی ایران به میثاقهای بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را باید جدی گرفت. گزارشهای دوره‌ای مربوطه را به موقع و متناسب با رهنمودهای کمیته ذریبط مستدل و وزین تهیه و ارائه نموده و برای تناقض موجود بین تعهد به عمل به مفاد این میثاقها و الزام

اجرای احکام شرع اسلام که در برخی موارد وجود دارد، چاره‌اندیشی کرد و
مجدانه در پی پیدا کردن راه حل بود.

۱۰۳
فصلنامه مطالعات حقوقی
دو نوبت آبیاری

مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران

محمد ستوده و همکار



منابع

الف) فارسی

- آقایی، سید داوود (۱۳۸۲)، *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: نسل نیکان.
- خانی، علی (۱۳۸۵)، *رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر.
- خرازی، فردین (۱۳۸۷)، «حق توسعه بشر ساز تحقق حقوق بشر»، *پژوهشنامه حقوق بشر*، سال دوم، شماره ۴ (تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژی) طباطبایی مومنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، «اسلام منادی حقوق بشر»، *فصلنامه سیاست روز*، انتشارات مرکز چاپ ستاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- گروه مطالعات دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸)، *تهدیدات رسانه‌ای*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵)، *درآمدی بر ابعاد و مظاهر تهدیدات*، تهران: مرکز آموزش و پژوهش شهید سپهبد صیاد شیرازی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴)، *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*، تهران: اطلاعات.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۶)، *تحولات روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات توس.

ب) لاتین

ac,p.5 see also cohre,paragraph 21and ushrn separate document on us obligations to respect and remedy human rights in the context of business activities ;see also IHRB,p.4.

ACNU , Paragraph 7; ACNE, Paragraph 11
Amnesty international Report.

DHCA,P.4 CHRGJ,parangraph 13,icj,p.1 see also submission from ai and ICTJ,HRF,PP.1,3,4 see also submission from ACNU,p.2,including cases cited and CISV.

DREDF, paragraph 4-5. See also sub missions From USHRN Separate 5 and separate Document on rights of person Whit disabilities.

fpfrc,p.5;ushrn,paragraph 40;edm .p.5 ; niyc,p.5; yamassee,p.5; nnhrc report annex 1,pp.3-4;confederacy

HRF, PP.1, 2, 4,5 SEE also submission from IACHR,Annexe 9 ,gcf,pp.1-10 see submission for cases cited

Human rights council working group on the universal periodic review summary prepared by the high commissioner for human rights in accordance with paragraph 15(c) of the annex to human rights council resolution 5/1 united states of America a/hrc/wg.6/9/usa/3,20 angust 2010.

JDI. PP.1-5 See also Submissions From ODVV

ushrn ,paragaraph 34.see also submission from ushrn separate document on racial discrimination civil rights and from civil rights to human rights implementing us obligations under the international convention on the elimination of all forms of racial discrimination

USHRN,Paragraph 3. See Also USHRN Separate Document to treaty ratification and AI.

www.answer.com/topic/united_nations_general_assembly

www.gerdab.ir

www.mashreghnews.ir

www.ohhchr.org

www.un.org/Depts/dhl/resguide/gavote.htm#gaintro

www.un.org/depts/dhl/rsguide/gares.htm

۱۰۵
فصلنامه مطالعات حقوقی
دوره نهم آبان ۱۳۹۱

مطالعه حقوقی چالش‌های حقوق بشری آمریکا و ایران

محمد ستوده و همکار



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی